

بررسی تأثیر عوامل دموگرافیک در رضایتمندی از زندگی زناشویی زوجین ۳۵-۵۵ سال (ساکن در مناطق ۳ و ۲۰ شهر تهران)

سروش فتحی* عذرا آزادان**

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تأثیر عوامل دموگرافیک در رضایت از زندگی زناشویی زنان و مردان متأهل ۳۵ - ۵۵ سال ساکن در مناطق ۳ و ۲۰ شهر تهران است. چارچوب نظری تحقیق از ترکیب نظریات همسان همسری و مبادله گرفته شده و بر مبنای آنها گزاره‌نویسی و فرضیات اخذ شده‌اند. روش استفاده شده پیمایش و ابزار تحقیق پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته است که با تعیین حجم نمونه ۴۰۰ نفری با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران و با شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، داده‌ها و اطلاعات لازم جمع‌آوری و تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که رضایت زناشویی با متغیرهای سن ازدواج، سطح درآمد، سطح درآمد همسر، سطح تحصیلات و سطح تحصیلات همسر رابطه‌ی معنادار و مستقیم دارد و با متغیرهای تفاوت سنی همسران رابطه‌ی معنادار و معکوس دارد. همچنین متغیرهای شغل، رشته‌ی تحصیلی همسر و منطقه‌ی محل سکونت نیز با رضایت زناشویی ارتباط معناداری دارند. یافته‌های پژوهش وجود رابطه‌ی معنادار بین جنس، رشته‌ی تحصیلی، قومیت و قومیت همسر را با رضایت زناشویی تأیید نکرد. نتایج رگرسیون چند متغیره نیز نشان داد که متغیرهای جمعیت‌شناختی در رضایت زناشویی مؤثرند و در کنار هم توانسته‌اند ۰/۳۳/۵ تغییرات رضایت زناشویی را تبیین کنند. بر اساس نتایج مشاهده شده، متغیر منطقه‌ی محل سکونت، بیشتر از بقیه‌ی متغیرها در رضایت زناشویی تأثیرگذار است. بعد از آن متغیرهای سطح تحصیلات همسر، سطح درآمد و سطح درآمد همسر تأثیرگذاری بیشتری نسبت به سایر متغیرهای جمعیت‌شناختی دارند.

واژگان کلیدی

ازدواج، رضایت زناشویی، عوامل دموگرافیک، همسان‌همسری، تهران.

*- دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی (نویسنده مسئول) (fathi.soroush@gmail.com).

** - دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مطالعات زنان، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی (nourazadian@gmail.com).
تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۷ تاریخ پذیرش: ۹۶/۳/۱۵

۱. مقدمه و بیان مسئله

ازدواج مهم‌ترین و تأثیرگذارترین اتفاقی است که در زندگی بیشتر افراد رخ می‌دهد، بنابراین طبیعی است که جایگاهی بسیار مهم داشته باشد و همواره با نگاهی کارشناسانه و دقیق، موضوع و مسائل مربوط به آن بررسی شود.

خانواده به لحاظ قدمت ابتدایی‌ترین و از لحاظ گستردگی، جهان شمول‌ترین نهاد اجتماعی است. تشکیل خانواده از اساسی‌ترین و طبیعی‌ترین نیازهای انسان به شمار می‌رود و اولین گام برای ارضای این نیاز اساسی و طبیعی ازدواج است (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۶: ۶۱۲). ازدواج مقدس‌ترین و پیچیده‌ترین رابطه میان دو انسان از دو جنس مخالف است که ابعاد وسیع، عمیق و هدف‌های متعددی دارد (اکبری و همکاران، ۱۳۹۱: ۴). ازدواج در جامعه‌ی متغیر امروزی یک پدیده‌ی پیچیده است. انسان‌ها به دلایل مختلفی ازدواج می‌کنند. در کنار تمایلات جنسی - که مسائل اولیه هستند - عشق، امنیت اقتصادی، مجالست، محافظت، امنیت عاطفی، فرار از تنهایی، علایق مشترک و داشتن فرزند بعضی از عواملی هستند که می‌توانند باعث گرایش یک شخص به ازدواج شوند (ذخیره‌داری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۹۱ به نقل از Janetius, 2004). ازدواج با هر هدفی که تشکیل شده باشد، رضایت از زندگی زناشویی در کیفیت و بقای آن اثر انکارناپذیری دارد. وقتی زن و شوهر از ازدواج خود رضایت داشته باشند، خانواده استحکام خوبی خواهد داشت و آنها می‌توانند با مسائل و مشکلات به درستی برخورد کنند و از آسیب‌ها در امان بمانند. با توجه به مطالعات انجام شده، پدیده‌ی ازدواج بر حسب زمان تشکیل، نحوه‌ی شکل‌گیری و بسیاری از جنبه‌های دیگر تحت تأثیر بافت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و ابعاد شخصیتی و فردی زوجین قرار داشته و خود نیز بر جامعه در سطح کلان و عناصر خانواده در سطح خرد از جمله رضایت زناشویی تأثیرگذار است (سحابی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۸).

رضایت زناشویی یک ارزیابی جهانی از وضعیت ازدواج فرد بوده و بازتابی از سعادت زناشویی و عملکرد آن است (Zainah & et al, 2012: 46) و با پایدار بودن واحد خانواده و کیفیت بهتر زندگی رابطه‌ی مستقیم و غیر مستقیم دارد، در حالی که نارضایتی از ازدواج به تنش، اضطراب و حتی انحلال واحد خانواده منجر می‌شود (زارع و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۳ به نقل از Shackelford & et al, 2008).

رضایت زناشویی باعث افزایش طول عمر و سلامت جسمانی و روانی بین زوجین می‌شود، علاوه بر تأثیر جسمانی و روان‌شناختی رضایتمندی و نارضایتمندی زناشویی در فرد، تحقیقات بسیاری از تأثیرات مثبت و منفی رضایت و نارضایتی زناشویی در فرزندان حکایت دارد. نارضایتی زوجین و ناسازگاری‌های خانوادگی و طلاق در رفتار و زندگی فرزندان نیز تأثیر می‌گذارد. همچنین رضایت زناشویی در میزان توسعه‌ی اقتصادی، رفاه، رضایت از زندگی، مدیریت تعارض، مهارت‌های

ارتباطی و حل مسئله تأثیر دارد (حسین پور و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۲۶). افزایش میزان رضایت از زندگی زناشویی در بهبود عملکرد و رفتارهای اجتماعی افراد در جامعه از جمله مهارت‌های ارتباطی، حل مسئله، مدیریت تعارض و... تأثیر گذار است.

نهاد خانواده در ایران نیز در مقایسه با سایر گزینه‌ها (کار، مذهب و سیاست) اهمیت بالایی دارد (موسوی، مرادی و مهدوی هرسینی، ۱۳۸۴: ۳۲۲)، اما به دلایل متعدد از جمله دگرگونی‌های سریع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، دستخوش تغییرات و ناملایمات زیادی شده است. هم اکنون ازدواج با مسائلی همچون تفاهم نداشتن زوجین و به دنبال آن گسترش پدیده‌ی طلاق، بالا رفتن سن ازدواج و پایین بودن نرخ وقوع آن، تغییرات در نگرش‌ها و آمال و آرزوهای افراد در نحوه‌ی همسرگزینی و... مواجه شده است. به رغم خوشایند بودن پیوند ازدواج، داده‌های آماری حکایت از آن دارد که رضایت زوجین به آسانی در دسترس نیست، در نتیجه قوی‌ترین پیوند انسانی یعنی ازدواج در مستحکم‌ترین قرارگاه آن یعنی خانواده در معرض خطر جدی قرار دارد؛ افزایش میزان طلاق در جوامع مختلف و کشور ما مؤید این مطلب است. از این رو ضروری است به عوامل مؤثر در رضایت زناشویی توجه شود. با شناسایی این عوامل می‌توان میزان ازدواج‌های با خطر بالا را کاهش داد و از این طریق از پیامدهای ناگوار ناپسامانی‌های خانوادگی جلوگیری کرد (ستوده، ۱۳۸۹: ۴۸).

رضایت زناشویی تحت تأثیر عوامل بیرونی و درونی و از جمله عوامل دموگرافیک است در این تحقیق کوشش شده تا به بررسی تأثیر متغیرهای جمعیت‌شناختی (جنس، سن، تفاوت سنی همسران، منطقه‌ی محل سکونت، درآمد، تحصیلات، شغل و قومیت) در رضایت زوجین از زندگی زناشویی پرداخته شود. با بررسی این ارتباط می‌توان عوامل افزایش دهنده‌ی احساس رضایت از زندگی زناشویی را شناسایی کرده و راه‌هایی برای کمک به ازدواج پایدار و رضایت‌بخش در زندگی زناشویی زوجین فراهم کرد. این کار تحقیقی در برگیرنده‌ی جامعه‌ی آماری مردان و زنان متأهل در دو منطقه‌ی ۳ و ۲۰ شهر تهران است علت این انتخاب تمایزات فرهنگی، مذهبی و جمعیت‌شناختی میان این دو منطقه است. منطقه‌ی ۲۰ (شهرری) جنوبی‌ترین منطقه‌ی شهری تهران با سابقه و قدمت ۶۰۰۰ ساله و وجود اماکن و عناصر با ارزش تاریخی و همچنین حرم حضرت عبدالعظیم (ع) ویژگی‌های بارز و خاص تاریخی، فرهنگی و مذهبی دارد که آن را از سایر مناطق تهران، مجزا و متفاوت ساخته است. منطقه‌ی ۳ از مناطق شمالی شهر تهران است که ساکنان آن نسبت به ساکنان کل شهر تهران وضعیت اقتصادی بهتری دارند. میزان باسوادی جمعیت منطقه‌ی ۳، ۹۶/۵ درصد است که بالاتر از میانگین کل شهر تهران (۹۰/۶ درصد) است. سطح تحصیلات افراد باسواد این منطقه نیز بالاتر از میانگین شهر تهران است. سهم نسبی مدیران و کارکنان عالی رتبه‌ی اداری

و کارکنان مشاغل علمی و فنی در میان شاغلان ساکن در منطقه بالاست (مرکز اطلاعات جغرافیایی شهر تهران، ۱۳۹۵؛ مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳).

۲. پیشینه پژوهش

با نگاهی به تحقیقات انجام شده درباره‌ی رابطه‌ی بین عوامل دموگرافیک و رضایت زناشویی مشاهده می‌شود که بسیاری از این تحقیقات ابعاد محدودی از عوامل دموگرافیک و رابطه‌ی آن با رضایت زناشویی را بررسی کرده‌اند که به نتایج برخی از این تحقیقات اشاره می‌شود.

در مطالعات داخل کشور، زارع و صفیاری جعفرآباد از مطالعه‌ی خود نتیجه‌گیری کردند که میزان رضایت از زندگی زناشویی با میزان عشق و علاقه، طول مدت زندگی زناشویی، اختلاف سنی زوجین، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و میزان تحصیلات زوجین رابطه‌ی معنادار دارد. همچنین یافته‌های پژوهش آنها وجود رابطه‌ی معنادار بین رضایت از زندگی زناشویی و میزان استفاده از رسانه‌ها، تحصیلات همسان زوجین، میزان درآمد خانواده و وضعیت اشتغال زنان متأهل (شاغل و خانه‌دار) را تأیید نکرد (زارع و همکاران، ۱۳۹۴). ایمان و همکاران از تحقیق خود دریافتند که بین سرمایه‌ی اجتماعی، سن، تحصیلات، تعداد فرزندان، محل سکونت و طول مدت ازدواج زنان با میزان رضایتمندی زناشویی آنها رابطه‌ی معناداری وجود دارد (ایمان و همکاران، ۱۳۹۱). منصوری‌نیا و همکاران از پژوهش خود نتیجه‌گیری کردند که بین رضایت زناشویی و عوامل زمینه‌ای در متغیرهای تحصیلات و وضعیت اقتصادی رابطه‌ی معنادار وجود دارد، اما بین میانگین مؤلفه‌های رضایت زناشویی بر اساس سن فرد هنگام ازدواج تفاوت معنی‌داری وجود ندارد (منصوری‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰). فاتحی دهاقانی و نظری در تحلیل خود نشان دادند، با افزایش درآمد زنان رضایت آنها از زندگی زناشویی نیز افزایش پیدا می‌کند، ولی درآمد مردان با میزان رضایت زندگی زناشویی آنها رابطه‌ای ندارد. وجود تفاوت سنی بسیار زیاد میان زنان و مردان باعث کاهش میزان رضایت از زندگی زناشویی ایشان می‌شود، اما این ارتباط و همبستگی در میان زنان شدیدتر از مردان است. با افزایش مدت زمان زندگی مشترک زنان، میزان رضایت زندگی زناشویی ایشان نیز افزایش پیدا می‌کند، اما این متغیر در مورد مردان بی‌تأثیر است. بین تفاوت سطح تحصیلات زنان با همسرانشان و میزان رضایت از زندگی زناشویی ایشان رابطه‌ی معناداری منفی وجود دارد، ولی در مورد مردان بین تفاوت تحصیلات مردان و زنان و میزان رضایت از زندگی زناشویی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد (فاتحی دهاقانی و نظری، ۱۳۸۹). جدیری و همکاران در بررسی خود دریافتند که بین تحصیلات و رضایتمندی زناشویی رابطه‌ی معناداری وجود نداشته، اما بین طول مدت ازدواج و تفاوت سن زوجین و رضایتمندی زناشویی رابطه‌ی معناداری وجود دارد (جدیری و همکاران، ۱۳۸۸). صداقت

در پایان‌نامه‌ی خود به این نتیجه رسید که بین سن ازدواج با رضایت زناشویی آنها رابطه‌ی معناداری وجود دارد، همچنین بین سن و طول مدت ازدواج زنان با رضایت زناشویی آنها رابطه‌ی معناداری وجود دارد اما بین این عوامل و رضایت زناشویی مردان، رابطه‌ی معناداری مشاهده نشد. عبدالله‌زاده (۱۳۸۲) از تحقیق خود نتیجه گرفت که بین میزان درآمد و میزان تحصیلات و رضایت زناشویی رابطه‌ی مثبت وجود دارد (عبدالله‌زاده، ۱۳۸۲). مهدوی در طرح پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی تهران نتیجه گرفت که متوسط کل رضایت بین مردان بیشتر از متوسط کل رضایت بین زنان بوده است و درآمد همسر، درآمد خود فرد و تحصیلات همسر رابطه‌ی معناداری با رضایت زناشویی دارد (مهدوی، ۱۳۷۴).

در تحقیقات خارج از کشور نتایج مطالعات مدنیان و شافق نشان داد که سن، تحصیلات و طول مدت ازدواج در سطح رضایت زناشویی تأثیرگذار هستند (Madaniana & Shafeq, 2013). زاینا و همکاران از بررسی خود نتیجه گرفتند که تفاوت بسیاری در رضایت زناشویی بر اساس طول مدت ازدواج و درآمد وجود دارد. پاسخ دهندگان با طول مدت ازدواج ده سال و بالاتر، نسبت به افراد با طول مدت ازدواج کمتر از ده سال رضایتمندی بیشتری داشتند و افراد با سطح درآمد بالا نسبت به افراد با سطح درآمد پایین راضی‌تر بودند (Zainah & et al, 2012). اراتینکال و وانستینوگن به این نتیجه رسیده‌اند که متغیرهای بعد خانوار، تعداد فرزندان، سن، طول مدت ازدواج، درآمد و قومیت زوجین با میزان رضایت آنها از زندگی زناشویی رابطه‌ی معنادار دارد (Orithinkal & Vansteenwegen, 2007). کارنی و برادبوری از تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که درآمد، شغل و تحصیلات در رضایت زناشویی مؤثر است و روی هم رفته، سن بالاتر زنان هنگام ازدواج، ازدواج باثبات و رضایت زناشویی بیشتری را پیش‌بینی می‌کند (Karney & Bradbury, 2005). گوا و هوانگ از مطالعات خود دریافتند که جنسیت، سطح تحصیلات، تعداد فرزندان و وضعیت سلامت اثرات مثبت بسیاری در رضایت زناشویی دارند. یافته‌های آنها نشان داد که به طور متوسط سطح رضایت زناشویی برای پاسخ‌دهندگان مرد بسیار بالاتر از پاسخ‌دهندگان زن بود (Guo & Huang, 2005). ویجنتیمالا و همکاران نشان دادند که بین متغیرهای پایگاه اجتماعی-اقتصادی، سن ازدواج، مذهب، تحصیلات و طول مدت ازدواج زوجین با میزان رضایت آنها از زندگی زناشویی رابطه‌ی معناداری وجود دارد (Vaijayanthimala, 2004). واندرورست نتیجه گرفت که با افزایش طول مدت ازدواج، رضایت زناشویی کاهش می‌یابد (Vandervorst, 2000). گلن الگوی مداومی از کاهش را در رضایت زناشویی با افزایش مدت ازدواج یافت (Glenn, 1998). هلمن و همکاران درآمد، شغل و تحصیلات را در رضایت زناشویی مؤثر گزارش کرده‌اند (Holman, & et al, 1994). گرین در بررسی خود نشان داد که همبستگی معناداری میان رضایت هر یک از همسران با سن آنها،

تحصیلات و درآمد خانواده وجود دارد (Green, 1991). یافته‌های فلورزوالسن مؤید این مطلب است که داشتن هم‌زمان کار تمام وقت و نیمه وقت سطح رضایت از ازدواج را در مردان کاهش می‌دهد، در حالی که کار کردن زنان در رضایتمندی زناشویی آنها مؤثر نیست. تعداد مناسب فرزندان نیز در میزان رضایت از ازدواج نقش مؤثری را ایفا می‌کند، همچنین میانگین سنی زوج‌های راضی، بیش از زوج‌های ناراضی است. یکی دیگر از یافته‌های آنها مبنی بر احساس رضایت بیشتر در زوج‌هایی است که مدت طولانی‌تری از ازدواجشان می‌گذرد (Fowers & Olson, 1989).

در مرور تحقیقات انجام شده ملاحظه می‌شود که پژوهش‌گران تأثیر ابعاد محدودی از عوامل دموگرافیک در رضایت زناشویی را بررسی کرده‌اند. همچنین گاهی در جامعه‌ی آماری انتخاب شده، افراد نمونه از جهت اقتصادی، تحصیلی، شغلی، سنی و... شرایط مشابهی دارند که این مشابهت یافته‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. در این پژوهش سعی شده تأثیر ابعاد جامعه‌ی از عوامل دموگرافیک در رضایتمندی از زندگی زناشویی در یک جامعه‌ی آماری متشکل از نمونه‌های متفاوت پژوهشی با توزیع فراوانی مناسب بررسی شود.

۳. چارچوب نظری پژوهش

۱۱۶

چارچوب نظری پژوهش از ترکیب نظریه‌های همسان‌همسری و مبادله گرفته شده و بر مبنای آنها فرضیات تحقیق ساخته و پرداخته شده است. نظریه‌ی همسان‌همسری، معمولاً به ازدواج بین همسران از یک گروه اجتماعی یکسان اشاره می‌کند (Birkelund & Heldal, 2003: 2). این نظریه استحکام خانواده را ناشی از وجود ویژگی‌های همسان میان زن و شوهر می‌داند. همسانی میان دو فرد نه تنها آنها را به سوی یکدیگر جذب می‌کند، بلکه پیوند و وصلت ایشان را استوارتر می‌سازد. تقریباً تمامی نظام‌های همسرگزینی به ازدواج همسان تمایل دارند که این خود می‌تواند نتیجه‌ی تمایل به معامله‌گری و مبادله‌ی ارزش‌های معنوی و دارایی‌های مادی باشد. معمولاً با توجه به انواع مشخصات، افراد همسان با یکدیگر ازدواج می‌کنند (گود، ۱۳۵۲: ۹۹). به عقیده‌ی هیل افراد مایل‌اند همسری برگزینند که بیشتر همسانشان باشد تا ناهمسانشان و چنانچه این قاعده به دلایلی رعایت نشود، احتمالاً زوجین ناراضی و ناسازگار شده و در نهایت از هم جدا می‌شوند. همسان‌همسری، مبتنی بر وابستگی گروهی می‌تواند به صورت‌های گوناگونی تعیین شود؛ به وسیله‌ی زمینه‌ی اجتماعی، گروه نژادی، گروه دینی، پراکندگی منطقه‌ای، جمعیت‌شناختی یا اجتماعی، به لحاظ پیشرفت تحصیلی، از طریق گروه منزلتی یا طبقه‌ی اجتماعی فعلی (Birkelund & Heldal, 2003: 2). بر اساس این نظریه، پیش فرض این است که هر چه تجارب و دستاوردهای

افراد به هم نزدیک تر باشد، آسان تر می توانند اندیشه‌ها، احساسات و جهان بینی همدیگر را دریابند، در نتیجه رضایت از زندگی زناشویی افزایش می یابد.

فرض اساسی نظریه‌ی مبادله آن است که مردم در انتخاب‌های خود منطقی بوده و درصد افزایش حداکثری سود خود از طریق انتخاب و برقراری رابطه با دیگران هستند. به این ترتیب از دیدگاه این نظریه، روابط بین زن و شوهر هم یک نوع مبادله است که از ابتدای زندگی شروع می شود. اگر حقوق متقابل آنها به عنوان پاداش و هزینه تلقی شود، زندگی آنها بر مدار مبادله‌ی متقابل جریان می یابد. از طرف دیگر نابرابری هزینه و پاداش برای زوجین، به احساس بی عدالتی و نابرابری در مبادله و در نهایت به نارضایتی و گسست روابط متقابل زوجین منجر می شود (جلیلیان، ۱۳۷۵: ۴۴ و ۴۵). بنابراین زوجینی که نتوانند تعادل دلخواه را در زمینه‌ی مبادله‌ی هزینه‌ها و پاداش‌ها برقرار کنند به احتمال زیاد به نارضایتمندی، ناسازگاری و گسستن این رابطه گرایش می یابند (سحابی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۴). طبق این نظریه هنگام ازدواج، هر چه میزان پاداش‌های ارزشمند برای شخص بیشتر باشد، احتمال پذیرش همسر و ازدواج و رضایتمندی حاصل از آن بالاتر است. در زندگی زناشویی نیز رفع انتظارات و نیازها نظیر اظهار علاقه و محبت، محترم شمرده شدن، سازگاری داشتن در روابط جنسی، توجه کردن به فرایض دینی، اهمیت دادن به مسائل تربیتی فرزندان، مشورت کردن با همسر، آینده‌نگری در مسائل اقتصادی و نبود احساس بی عدالتی از طرف زوجین، سازگاری و رضایت زناشویی را به همراه خواهد داشت.

بر مبنای چارچوب نظری فوق، فرض می شود که ساکنین متأهل بررسی شده، تحت تأثیر متغیرهای فردی و دموگرافیک، در کنار ویژگی‌های همسان زوجین و با فرض مبادله‌ای بودن زندگی زناشویی، سطح رضایت زناشویی را تحت تأثیر قرار می دهند. بر این اساس در پژوهش حاضر فرضیات ذیل بررسی خواهد شد.

۱. بین میزان رضایت از زندگی زناشویی مردان و زنان تفاوت معنادار وجود دارد.
۲. بین سن ازدواج با میزان رضایت از زندگی زناشویی رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
۳. بین تفاوت سنی همسران با میزان رضایت از زندگی زناشویی رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
۴. بین سطح درآمد زوجین با میزان رضایت از زندگی زناشویی رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
۵. بین میزان رضایت از زندگی زناشویی زوجین دارای مشاغل مختلف تفاوت معنادار وجود دارد.
۶. بین سطح تحصیلات زوجین با میزان رضایت از زندگی زناشویی رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
۷. بین میزان رضایت از زندگی زناشویی زوجین تحصیل کرده در رشته‌های تحصیلی مختلف تفاوت معنادار وجود دارد.

۸. بین میزان رضایت از زندگی زناشویی زوجین با قومیت‌های مختلف تفاوت معنادار وجود دارد.

۹. بین منطقه‌ی محل سکونت با میزان رضایت از زندگی زناشویی رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

۴. روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از نوع مطالعات کمی و کاربردی است. روش پژوهش پیمایشی است که امکان دستیابی به نتایج تعمیم‌پذیر به کل جامعه‌ی آماری را از طریق مطالعه‌ی نمونه‌ای معرف فراهم می‌آورد. از طرف دیگر چون نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند در بین افراد جامعه، جوانان، خانواده‌ها، مشاوران و برنامه‌ریزان استفاده شود، از این رو از نظر هدف، کاربردی محسوب می‌شود. جامعه‌ی آماری پژوهش، شامل کلیه‌ی افراد متأهل ۳۵ تا ۵۵ سال ساکن در مناطق ۳ و ۲۰ شهر تهران است. با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران، حجم نمونه معادل ۳۸۴ نفر برآورد شد، اما نظر به احتمال ریزش و برای جلوگیری از مخدوش یا ناقص بودن احتمالی برخی از پرسش‌نامه‌ها، حجم نمونه به ۴۰۰ نفر افزایش یافت. روش نمونه‌گیری برای دستیابی به نمونه‌ی پژوهشی معرف، نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود که یک نوع از انواع نمونه‌گیری احتمالی است. پرسش‌نامه‌ی این تحقیق شامل دو بخش است:

الف) پرسش‌نامه‌ی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی: این پرسش‌نامه برای کسب اطلاعات فردی و بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها شامل جنس، سن، سن همسر، سن ازدواج، تفاوت سنی با همسر، منطقه‌ی محل سکونت، محل تولد خود و همسر، قومیت خود و همسر، تحصیلات خود و همسر، رشته‌ی تحصیلی خود و همسر، شغل خود و همسر و سطح درآمد خود و همسر است.

ب) پرسش‌نامه‌ی رضایت زناشویی انریچ: (۱۹۸۹) اولسون و همکاران این پرسش‌نامه را تهیه کرده‌اند. هدف آن ارزیابی زمینه‌های بالقوه مشکل‌زا یا شناسایی زمینه‌های قوت و پربراری رابطه‌ی زناشویی است و به عنوان یک ابزار معتبر در تحقیقات متعدد برای بررسی رضایت زناشویی استفاده شده است. در این پژوهش، از فرم ۴۷ سؤالی پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ استفاده شده است. ضریب همبستگی پرسش‌نامه انریچ با مقیاس‌های رضایت خانوادگی از ۰/۴۱ تا ۰/۶۰ و با مقیاس‌های رضایت زندگی از ۰/۳۲ تا ۰/۴۱ است که نشانه‌ی روایی سازه آن است. همه‌ی خرده مقیاس‌های پرسش‌نامه انریچ، زوج‌های راضی و ناراضی را متمایز می‌کنند و این نشان می‌دهد که این پرسش‌نامه روایی ملاک خوبی دارد (ثنائی، ۱۳۸۷: ۲۲). در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۹۱ محاسبه شد.

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. یافته‌های توصیفی

از تعداد ۴۰۰ نفر کل پاسخ‌گویان، با توجه به جمعیت متأهل ساکن در دو منطقه، ۵۰ درصد ساکن منطقه ۳ و ۵۰ درصد ساکن منطقه ۲۰ شهر تهران‌اند. از هر منطقه هم نیمی از پاسخ‌گویان زن و نیمی مرد هستند. میانگین سن پاسخ‌گویان ۴۳/۵۶ سال است. کمترین سن پاسخ‌گویان ۳۵ و بیشترین سن آنها ۵۵ سال است. میانگین سن همسر پاسخ‌گویان ۴۳/۵۱ است. کمترین سن همسر پاسخ‌گویان ۲۷ و بیشترین آن ۶۵ سال است. میانگین سن ازدواج پاسخ‌گویان ۲۵/۸ سال است. کمترین سن ازدواج ۱۶ سال و بیشترین سن ازدواج ۴۹ سال است. بیشترین فراوانی سن ازدواج در میان پاسخ‌گویان بین ۲۵-۲۱ سال با ۳۷/۵ درصد و ۳۰-۲۶ سال با ۳۷ درصد است. میانگین تفاوت سن همسران ۴/۶۵ سال است. بیشترین فراوانی تفاوت سن همسران بین ۴-۰ سال با ۵۵/۸ درصد است. قومیت ۷۵ درصد پاسخ‌گویان فارس، ۱۶/۵ درصد ترک، ۳/۳ درصد لر، ۲/۳ درصد کرد، ۲/۳ درصد گیلک و ۰/۸ درصد عرب است. قومیت همسر پاسخ‌گویان ۷۶/۵ درصد فارس، ۱۴/۵ درصد ترک، ۲/۸ درصد کرد، ۲/۵ درصد گیلک، ۲/۵ درصد لر و ۱ درصد عرب است. بیشترین فراوانی سطح تحصیلات پاسخ‌گویان دیپلم با ۳۳/۳ درصد و کمترین فراوانی دکتری با ۶ درصد است. بیشترین فراوانی سطح تحصیلات همسر پاسخ‌گویان دیپلم با ۳۴/۳ درصد و کمترین فراوانی فوق‌دیپلم با ۴/۸ درصد است. پاسخ‌گویان با ۳۸/۵ درصد و همسر پاسخ‌گویان با ۳۷ درصد، بیشتر در رشته‌ی علوم انسانی و ادبیات تحصیل کرده‌اند. بیشترین فراوانی شغلی پاسخ‌گویان کارمند امور اداری و دفتری با ۲۲/۳ درصد و کمترین فراوانی کارگر با ۱ درصد و بیشترین فراوانی شغلی همسر پاسخ‌گویان کارمند خدماتی و فروشنده با ۲۰/۳ درصد و کمترین فراوانی کارگر با ۳ درصد است. در میان پاسخ‌گویان زن، ۲۶/۳ درصد خانه‌دار و ۲۸/۷ درصد از همسران مردان پاسخ‌گو نیز خانه‌دار هستند. بیشتر پاسخ‌گویان با ۵۶/۳ درصد سطح درآمد متوسط و تنها ۰/۵ درصد پاسخ‌گویان سطح درآمد خیلی زیادی دارند. ۵۰/۵ درصد از همسر پاسخ‌گویان نیز سطح درآمد متوسطی دارند. میانگین نمره‌ی رضایت از زندگی زناشویی پاسخ‌گویان ۱۶۵/۱۵ است. کمترین نمره‌ی رضایت از زندگی زناشویی ۷۱ و بیشترین نمره ۲۳۵ است. این میانگین نشان‌دهنده‌ی رضایت متوسط زناشویی پاسخ‌گویان می‌باشد. همچنین در بین خرده‌مقیاس‌های رضایت زناشویی، خرده‌مقیاس حل تعارض با میانگین ۱۵/۵۳ و فعالیت‌های اوقات فراغت با میانگین ۱۶/۳۷ کمترین میزان را داشته و خرده‌مقیاس جهت‌گیری اعتقادی و مذهبی با میانگین ۱۹/۲۰ بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده‌اند. یعنی در بین مؤلفه‌های رضایت زناشویی، دو مؤلفه‌ی حل تعارض و فعالیت‌های اوقات فراغت پایین‌ترین سطح رضایت را به خود اختصاص داده و مؤلفه‌ی جهت‌گیری مذهبی و اعتقادی بالاترین سطح رضایت را به خود اختصاص داده‌اند.

۵-۲. یافته‌های استنباطی

• تفاوت رضایت زناشویی در بین زنان و مردان

نتایج جدول شماره ۱ و مقدار $\text{sig} > 0/05$ در آزمون لون نشان می‌دهد که واریانس‌ها برابرند. بنابراین با توجه به نتایج سطر اول جدول خروجی و اینکه $\text{sig} > 0/05$ است نتیجه می‌گیریم که تفاوت بین میانگین‌ها در سطح $0/5$ (با 95% اطمینان) معنادار نیست. یعنی رضایت از زندگی زناشویی در بین زنان و مردان تفاوت معناداری ندارد.

جدول ۱: آزمون مقایسه میانگین رضایت زناشویی در بین زنان و مردان

آزمون برابری میانگین (t-test for Equality of Means)		آزمون لون		متغیر	برابری نابرابری واریانس					
اطمینان ۹۰٪ فاصله‌ی		انحراف معیار	واریانس			سطح معنی داری	درجه‌ی آزادی	مقدار T	سطح معنی داری	مقدار F
بیشترین	کمترین									
۲/۲۱۶۱۸	-۱۰/۴۶۶۱۸	۳/۲۲۵۵۲	-۴/۱۲۵۰۰	۰/۲۰۲	۳۹۸	-۱/۲۷۹	۰/۳۸۱	۰/۷۷۱	رضایت زناشویی	برابری واریانس
۲/۲۱۶۳۴	-۱۰/۴۶۶۳۴	۳/۲۲۵۵۲	-۴/۱۲۵۰۰	۰/۲۰۲	۳۹۴/۷۸۱	-۱/۲۷۹				

• رابطه‌ی سن ازدواج، تفاوت سنی همسران، سطح درآمد، سطح درآمد همسر و رضایت زناشویی مطابق یافته‌های جدول شماره ۲ ضریب همبستگی پیرسون میان سن ازدواج برای زنان و مردان و رضایت زناشویی به ترتیب برابر $0/133$ و $0/229$ است. با توجه به سطح معناداری جدول خروجی ($\text{sig} < 0/05$)، رابطه‌ی میان متغیرهای سن ازدواج و رضایت زناشویی، یک رابطه‌ی مستقیم، مثبت، خیلی ضعیف برای زنان و ضعیف برای مردان است. یعنی با افزایش متغیر سن ازدواج، رضایت زناشویی نیز افزایش می‌یابد و این رابطه در مردان در مقایسه با زنان قوی‌تر است. ضریب همبستگی پیرسون میان تفاوت سن همسران برای زنان و مردان و رضایت زناشویی به ترتیب برابر $-0/105$ و $-0/141$ است و با توجه به سطح معناداری ($\text{sig} < 0/05$)، رابطه‌ی میان متغیرها، یک رابطه‌ی معکوس و خیلی ضعیف است. یعنی با افزایش تفاوت سن همسران، رضایت زناشویی برای زنان و مردان کاهش می‌یابد.

همچنین ضریب همبستگی اسپیرمن میان سطح درآمد برای زنان و مردان و رضایت زناشویی به ترتیب برابر $0/439$ و $0/341$ و چون $sig < 0/05$ است این ارتباط معنادار است؛ یعنی با افزایش سطح درآمد، رضایت زناشویی نیز افزایش می‌یابد. همچنین ضریب همبستگی اسپیرمن میان سطح درآمد همسر برای زنان و مردان و رضایت زناشویی به ترتیب برابر با $0/501$ و $0/318$ و چون $sig < 0/05$ است این ارتباط معنادار است؛ یعنی با افزایش سطح درآمد همسر، رضایت زناشویی نیز افزایش می‌یابد. افزایش رضایت زناشویی برای زنان با افزایش سطح درآمد و افزایش سطح درآمد همسر، در مقایسه با مردان شدیدتر است.

جدول ۲: آزمون رابطه‌ی بین سن ازدواج، تفاوت سنی همسران، سطح درآمد و سطح درآمد همسر با رضایت زناشویی

رضایت زناشویی		جنس	متغیر
سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون		
$0/006$	$0/133$	زنان	سن ازدواج
$0/001$	$0/229$	مردان	
$0/016$	$0/105-$	زنان	تفاوت سنی همسران
$0/014$	$0/141-$	مردان	
رضایت زناشویی		جنس	متغیر
سطح معناداری	ضریب همبستگی اسپیرمن		
$0/000$	$0/439$	زنان	سطح درآمد
$0/000$	$0/341$	مردان	
$0/000$	$0/501$	زنان	سطح درآمد همسر
$0/000$	$0/318$	مردان	

• رابطه‌ی نوع شغل و رضایت زناشویی

با توجه به نتایج جدول شماره‌ی ۳ و با $sig < 0/05$ ، نتیجه می‌گیریم، تفاوت بین میانگین‌های گروه‌ها در سطح 5% (با 95% اطمینان) معنادار است. یعنی رضایت زناشویی بین مشاغل مختلف متفاوت است. افراد شاغل در مشاغل بهداشتی و درمانی و سپس فنی و مهندسی بیشترین رضایت زناشویی و افراد شاغل در بخش خدمات کمترین رضایت زناشویی را دارند.

جدول ۳: آزمون تحلیل واریانس برای شغل^۱ و رضایت زناشویی

Confidence Inter- 95% val for Mean		انحراف معیار	واریانس	میانگین	تعداد	نوع شغل
Upper Bound	Lower Bound					
۱۷۱/۸۴۴۳	۱۵۷/۹۵۲۸	۳/۴۸۰۷۴	۲۸/۹۱۳۲۳	۱۶۴/۸۹۸۶	۶۹	خدمات
۱۷۲/۰۸۳۹	۱۵۹/۲۶۴۴	۳/۲۲۵۳۵	۳۰/۴۲۷۹۲	۱۶۵/۶۷۴۲	۸۹	اداری و مالی
۱۷۷/۰۰۳۳	۱۵۷/۹۲۹۴	۴/۹۱۷۳۲	۳۴/۴۲۱۲۱	۱۶۷/۸۱۶۳	۴۹	آموزشی و فرهنگی و هنری
۱۸۷/۲۹۰۹	۱۶۸/۸۶۳۰	۴/۵۵۱۴۶	۲۸/۴۲۳۸۵	۱۷۸/۰۷۶۹	۳۹	فنی و مهندسی
۱۹۹/۴۱۱۸	۱۸۴/۱۳۳۷	۳/۶۷۳۳۱	۱۷/۲۲۹۳۵	۱۹۱/۷۷۲۷	۲۲	بهداشتی و درمانی
۱۹۰/۹۷۷۳	۱۴۹/۹۴۵۸	۹/۴۱۶۰۴	۳۳/۹۵۰۰۰	۱۷۰/۴۶۱۵	۱۳	سایر
۱۷۳/۴۳۹۸	۱۶۶/۲۴۷۱	۱/۸۲۶۹۸	۳۰/۶۲۵۸۰	۱۶۹/۸۴۳۴	۲۸۱	جمع کل

در جدول شماره ۴ تفاضل میانگین رضایت زناشویی مشاغل بهداشتی و درمانی با خدمات، اداری و مالی، آموزشی و فرهنگی و هنری، فنی و مهندسی و سایر مشاغل مشخص است.

جدول ۴: توصیف متغیر رضایت زناشویی در طبقات مختلف شغلی همسر

Confidence Inter- 95% val for Mean		انحراف معیار	واریانس	میانگین	تعداد	شغل
Upper Bound	Lower Bound					
۱۶۴/۲۹۳۲	۱۴۸/۹۱۶۷	۳/۸۶۳۳۲	۳۴/۷۶۹۸۴	۱۵۶/۶۰۴۹	۸۱	خدمات
۱۶۶/۰۱۷۲	۱۵۵/۰۲۶۳	۲/۷۷۴۰۹	۲۹/۷۴۸۷۶	۱۶۰/۵۲۱۷	۱۱۵	خانه‌دار
۱۷۳/۶۸۸۰	۱۵۸/۰۵۴۸	۳/۹۱۸۲۱	۳۲/۷۸۲۰۷	۱۶۵/۸۷۱۴	۷۰	اداری و مالی
۱۹۲/۶۳۲۹	۱۶۹/۱۲۷۱	۵/۶۹۴۵۴	۲۸/۴۷۲۶۸	۱۸۰/۸۸۰۰	۲۵	آموزشی و فرهنگی
۱۸۸/۱۷۸۳	۱۷۴/۸۴۵۰	۳/۳۰۳۴۷	۲۱/۶۶۲۳۱	۱۸۱/۵۱۱۶	۴۳	فنی و مهندسی
۱۹۶/۱۶۲۱	۱۷۶/۱۵۷۹	۴/۸۴۶۱۹	۲۴/۲۳۰۹۷	۱۸۶/۱۶۰۰	۲۵	بهداشتی و درمانی
۱۵۲/۶۸۴۳	۱۱۷/۸۱۵۴	۷/۹۲۱۱۳	۲۷/۴۳۹۶۰	۱۳۵/۲۵۰۰	۱۲	کارگر
۱۸۶/۷۹۹۵	۱۲۹/۹۵۰۵	۱۲/۰۲۰۷۲	۳۳/۹۹۹۷۴	۱۵۸/۳۷۵۰	۸	بازنشسته
۱۸۰/۰۶۳۲	۱۴۷/۱۷۴۹	۷/۸۸۳۲۲	۳۶/۱۲۵۴۴	۱۶۳/۶۱۹۰	۲۱	سایر
۱۶۸/۳۳۰۶	۱۶۱/۹۸۴۴	۱/۶۱۴۰۴	۳۲/۲۸۰۸۴	۱۶۵/۱۵۷۵	۴۰۰	جمع کل

۱- طبقه‌بندی مشاغل بر اساس طبقه‌بندی استاندارد مشاغل مرکز آمار ایران است (مرکز آمار ایران، طبقه‌بندی استاندارد مشاغل ایران، ۱۳۹۵).

جدول ۵: آزمون مقایسه واریانس رضایت زناشویی در رده های شغلی همسر

سطح معنی داری	درجه‌ی آزادی ۲	درجه‌ی آزادی ۱	Levene Statistic
۰/۰۱۳	۳۹۱	۸	۲/۴۶۴

• رابطه‌ی سطح تحصیلات، سطح تحصیلات همسر

با توجه به نتایج جدول شماره‌ی ۵ ضریب همبستگی اسپیرمن میان سطح تحصیلات و رضایت زناشویی برابر با ۰/۴۰۵ و چون $\text{sig} < ۰/۰۵$ است، این ارتباط معنادار است؛ یعنی با افزایش سطح تحصیلات، رضایت زناشویی نیز افزایش می‌یابد. ضریب همبستگی اسپیرمن میان سطح تحصیلات همسر و رضایت زناشویی نیز برابر با ۰/۴۷۳ و چون $\text{sig} < ۰/۰۵$ است، این ارتباط معنادار است؛ یعنی با افزایش سطح تحصیلات همسر، رضایت زناشویی نیز افزایش می‌یابد.

جدول ۶: آزمون رابطه‌ی بین سطح تحصیلات، سطح تحصیلات همسر با رضایت زناشویی

رضایت زناشویی		متغیر
سطح معناداری	ضریب همبستگی اسپیرمن	
۰/۰۰۰	۰/۴۰۵	سطح تحصیلات
۰/۰۰۰	۰/۴۷۳	سطح تحصیلات همسر
سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	متغیر

• رابطه‌ی رشته‌ی تحصیلی و رضایت زناشویی

با توجه به نتایج جدول شماره‌ی ۷ و $\text{sig} < ۰/۰۵$ ، نتیجه می‌گیریم که تفاوت بین میانگین‌های گروه‌ها در سطح ۵٪ (با ۹۵٪ اطمینان) معنادار است؛ یعنی رابطه‌ی رشته‌ی تحصیلی با رضایت زناشویی معنادار است. افرادی که در رشته‌ی علوم ریاضی و مهندسی تحصیل کرده‌اند، رضایت زناشویی بالاتری دارند.

جدول ۷: توصیف متغیر رضایت زناشویی در طبقات مختلف رشته های تحصیلی

Confidence 95% Interval for Mean		انحراف معیار	واریانس	میانگین	تعداد	رشته ی تحصیلی
upper Bound	Lower Bound					
۱۴۵/۷۷۴۹	۱۲۷/۴۹۱۸	۴/۴۶۹۶۹	۲۴/۴۸۱۵۰	۱۳۶/۶۳۳	۳۰	زیردیلم
۱۸۱/۷۶۰۸	۱۶۹/۳۵۲۹	۳/۱۲۱۳۲	۲۹/۲۸۰۵۹	۱۷۵/۵۵۶۸	۸۸	علوم ریاضی و مهندسی
۱۶۹/۸۱۲۰	۱۵۴/۹۹۳۵	۳/۷۱۵۸۸	۳۱/۵۳۰۲۹	۱۶۲/۴۰۲۸	۷۲	علوم تجربی و پزشکی
۱۷۲/۲۹۰۲	۱۶۱/۶۴۴۹	۲/۶۹۴۲۱	۳۳/۴۳۴۲۴	۱۶۶/۹۶۷۵	۱۵۴	علوم انسانی و ادبیات
۱۷۰/۱۳۲۰	۱۵۲/۵۷۹۱	۴/۶۸۴۶۸	۲۹/۲۱۲۵۱	۱۶۱/۳۵۵۶	۴۵	هنر
۱۷۵/۷۱۷۲	۱۳۶/۲۸۲۸	۴/۵۸۲۵۸	۷/۹۳۷۲۵	۱۵۶	۳	علوم حوزوی
۲۰۱/۱۲۷۷	۱۴۳/۸۷۲۳	۱۲/۱۰۶۶۷	۳۴/۲۴۲۸۳	۱۷۲/۵۰۰۰	۸	زبان های خارجی
۱۶۸/۳۳۰۶	۱۶۱/۹۸۴۴	۱/۶۱۴۰۴	۳۲/۲۸۰۸۴	۱۶۵/۱۵۷۵	۴۰۰	جمع کل

جدول ۸: آزمون مقایسه میانگین رضایت زناشویی در طبقات مختلف رشته های تحصیلی

۱۲۴

سطح معنی داری	F مقدار	میانگین مجدورات	درجه ی آزادی	مجموع مجدورات	
۰/۰۰۰	۶/۲۶۷	۶۰۵۱/۶۵۴	۶	۳۶۳۰۹/۹۲۷	Between Groups
		۹۶۵/۵۷۰	۳۹۳	۳۷۹۴۶۹/۱۵۱	Within Groups
			۳۹۹	۴۱۵۷۷۹/۰۷۸	جمع

جدول ۹: آزمون مقایسه واریانس رضایت زناشویی در طبقات مختلف رشته های تحصیلی

سطح معنی داری	درجه ی آزادی ۲	درجه ی آزادی ۱	Levene Statistic
۰/۰۱۰	۳۹۳	۶	۲/۸۳۸

• رابطه ی قومیت و رضایت زناشویی

در جدول شماره ی ۱۰ با توجه به $sig > 0/05$ ، واریانس در گروه ها یکسان است. همچنین با توجه به $sig > 0/05$ ، فرض صفر را پذیرفته و نتیجه می گیریم که تفاوت میانگین های گروه ها در سطح ۵٪ (با ۹۵٪ اطمینان) معنادار نیست؛ یعنی ارتباط قومیت با رضایت زناشویی معنادار نیست.

جدول ۱۰: توصیف متغیر رضایت زناشویی در رده های مختلف قومیتی

Confidence Interval 95% for Mean		انحراف معیار	واریانس	میانگین	تعداد	قومیت
Upper Bound	Lower Bound					
۱۶۹/۱۸۹۴	۱۶۱/۸۸۳۹	۱/۸۵۶۱۵	۳۲/۱۴۹۴۵	۱۶۵/۵۳۶۷	۳۰۰	فارس
۱۷۱/۳۳۳۷	۱۵۶/۳۹۳۵	۳/۷۴۰۴۰	۳۰/۳۸۷۱۹	۱۶۳/۸۶۳۶	۶۶	ترک
۱۹۷/۰۸۲۵	۱۴۱/۳۶۱۹	۱۲/۰۸۱۶۴	۳۶/۲۴۴۹۲	۱۶۹/۲۲۲۲	۹	کرد
۱۸۴/۹۹۶۵	۱۳۸/۶۹۵۸	۱۰/۶۲۵۲۳	۳۸/۳۰۹۸۰	۱۶۱/۸۴۶۲	۱۳	لر
۲۶۴/۲۰۹۶	۵۱/۷۹۰۴	۲۴/۶۸۴۶۸	۴۲/۷۵۵۱۲	۱۵۸	۳	عرب
۱۶۷/۶۵۵۹	۱۳۲/۵۶۶۳	۱۴/۱۱۳۰۸	۴۲/۳۳۹۲۴	۱۶۵/۱۱۱۱	۹	گیلک
۱۶۸/۳۳۰۶	۱۶۱/۹۸۴۴	۱/۶۱۴۰۴	۳۲/۲۸۰۸۴	۱۶۵/۱۵۷۵	۴۰۰	کل

جدول ۱۱: آزمون مقایسه میانگین رضایت زناشویی در رده های مختلف قومیتی

سطح معنی داری	مقدار F	میانگین مجدورات	درجه‌ی آزادی	مجموع مجدورات	
۰/۹۸۹	۰/۱۱۴	۱۱۹/۷۱۴	۵	۵۹۸/۵۷۱	Between Groups
		۱۰۵۳/۷۵۸	۳۹۴	۴۱۵۱۸۰/۵۰۶	Within Groups
			۳۹۹	۴۱۵۷۷۹/۰۷۸	جمع

جدول ۱۲: آزمون مقایسه واریانس رضایت زناشویی در رده های مختلف قومیتی

سطح معنی داری	درجه‌ی آزادی ۲	درجه‌ی آزادی ۱	Levene Statistic
۰/۲۳۷	۳۹۴	۵	۱/۳۶۵

• رابطه‌ی محل سکونت و رضایت زناشویی

نتایج جدول شماره‌ی ۱۳ و سطح معناداری $\text{sig} > 0/05$ نشان می‌دهد که واریانس‌ها برابرند. با توجه به $\text{sig} < 0/05$ در سطر اول فرض صفر رد شده و نتیجه می‌گیریم که تفاوت میانگین‌ها در سطح ۰/۵٪ (با ۹۵٪ اطمینان) معنادار است. یعنی منطقه‌ی محل سکونت با رضایت زناشویی ارتباط معنادار دارد. افراد ساکن در منطقه‌ی ۲۰ تهران در مقایسه با ساکنین منطقه‌ی ۳ رضایت زناشویی پایین‌تری دارند.

جدول ۱۳: مقایسه میانگین رضایت زناشویی در بین ساکنین منطقه ۳ و ۲۰

متغیر	جنس	تعداد	میانگین	واریانس	انحراف معیار
رضایت زناشویی	منطقه ۳	۲۰۰	۱۸۰/۵۵۵۰	۲۶/۵۵۵۲۸	۱/۸۷۷۷۴
	منطقه ۲۰	۲۰۰	۱۴۹/۷۶۰۰	۳۰/۱۲۶۵۷	۲/۱۳۰۲۷

جدول ۱۴: آزمون t مقایسه میانگین رضایت زناشویی در بین ساکنین منطقه ۳ و ۲۰

تست لیون							t-test for Equality of Means			
F مقدار	سطح معنی داری	T مقدار	درجه‌ی آزادی	سطح معنی داری	واریانس	انحراف معیار	فاصله اطمینان ۹۵٪		رضایت زناشویی	
							بیشترین	کمترین		
۲/۷۴۱	۰/۰۹۹	۱۰/۸۴۴	۳۹۸	۰/۰۰۰	۳۰/۷۹۵۰۰	۲/۸۳۹۷۱	۲۵/۲۱۲۲۹	۳۶/۳۷۷۷۱	برابری واریانس	
		۱۰/۸۴۴	۳۹۱/۸۲۷	۰/۰۰۰	۳۰/۷۹۵۰۰	۲/۸۳۹۷۱	۲۵/۲۱۲۰۲	۳۶/۳۷۷۹۸	نابرابری واریانس	

۱۲۶

تحلیل رگرسیون گام به گام

هدف از انجام دادن رگرسیون گام به گام اندازه‌گیری واقعی تأثیر هر کدام از متغیرهای مستقل در متغیر وابسته و پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته و تعیین سهم هر کدام از متغیرهای مستقل در تبیین واریانس متغیر وابسته است.

جدول ۱۵: مدل‌های ساخته شده در رگرسیون

مدل	متغیرهای وارد شده	متغیرهای حذف شده	Method (روش)
۱	منطقه‌ی محل سکونت	.	Stepwise (Criteria: Probability-of-F-to-enter <= .050 Probability-of-F-to-remove >= .100).
۲	سطح تحصیلات همسر	.	Stepwise (Criteria: Probability-of-F-to-enter <= .050 Probability-of-F-to-remove >= .100).
۳	سطح درآمد	.	Stepwise (Criteria: Probability-of-F-to-enter <= .050 Probability-of-F-to-remove >= .100).
۴	سطح درآمد همسر	.	Stepwise (Criteria: Probability-of-F-to-enter <= .050 Probability-of-F-to-remove >= .100).

در جدول بالا تعداد مدل‌های ساخته شده در رگرسیون و متغیرهای حاضر در مدل‌سازی نمایش داده شده است. در اینجا ۴ مدل فرض شده است.

جدول ۱۶: ضریب همبستگی، ضریب تعیین، ضریب تعدیل شده و انحراف استاندارد برآوردها

Std. Error of the Estimate	Adjusted R Square	R Square	R	مدل
۲۸/۳۹۷۱۲	۰/۲۲۶	۰/۲۲۸	۰/۴۷۸ ^a	۱
۲۷/۲۸۵۱۶	۰/۲۸۶	۰/۲۸۹	۰/۵۳۸ ^b	۲
۲۶/۸۵۲۶۵	۰/۳۰۸	۰/۳۱۳	۰/۵۶۰ ^c	۳
۲۶/۷۲۸۰۰	۰/۳۱۴	۰/۳۲۱	۰/۵۶۷ ^d	۴

در جدول شماره‌ی ۱۶ ضریب همبستگی، ضریب تعیین، ضریب تعدیل شده و انحراف استاندارد برآوردها نمایش داده شده است. یکی از ملاک‌های انتخاب مدل مناسب نزدیکی مقدار ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده می‌باشد. مشاهده می‌شود که در اولین گام متغیر منطقه‌ی محل سکونت وارد معادله می‌شود. مقدار ضریب همبستگی برابر ۰/۴۷۸ و ضریب تعیین برابر ۰/۲۲۸ است؛ یعنی ۲۲/۸ درصد تغییرات متغیر رضایت زناشویی را متغیر منطقه‌ی محل سکونت تبیین می‌کند. در گام دوم تحلیل، متغیر سطح تحصیلات همسر وارد معادله شده است، این متغیر ضریب همبستگی را به ۰/۵۳۸ و ضریب تعیین را به ۰/۲۸۹ افزایش داده است. در واقع متغیر سطح تحصیلات همسر به تنهایی ۶/۱ درصد تغییرات متغیر رضایت زناشویی را تبیین می‌کند. در گام سوم تحلیل، متغیر سطح درآمد وارد معادله می‌شود، این متغیر ضریب همبستگی را به ۰/۵۶۰ و ضریب تعیین را به ۰/۳۱۳ افزایش داده است. پس متغیر سطح درآمد به تنهایی ۲/۴ درصد تغییرات متغیر رضایت زناشویی را تبیین می‌کند. در گام چهارم تحلیل متغیر سطح درآمد ضریب همبستگی را به ۰/۳۲۱ و ضریب تعیین را به ۰/۳۱۴ افزایش داده است. بنابراین متغیر سطح درآمد همسر به تنهایی ۰/۸ درصد تغییرات متغیر رضایت زناشویی را تبیین می‌کند. در کل این چهار متغیر ۳۲/۱ درصد تغییرات متغیر رضایت زناشویی را تبیین می‌کنند و ۶۷/۹ درصد تغییرات متغیر رضایت زناشویی را سایر متغیرها تبیین می‌کنند.

جدول ۱۷: آنوا ANOVAa تحلیل واریانس

مدل	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورات	F مقدار	سطح معنی‌داری
۱	رگرسیون	۱	۹۴۸۳۳/۲۰۳	۱۱۷/۶۰۱	۰/۰۰۰ ^b
	باقی مانده	۳۹۸	۸۰۶/۳۹۷		
	کل	۳۹۹	۴۱۵۷۷۹/۰۷۸		
۲	رگرسیون	۲	۱۲۰۲۲۰/۵۰۲	۸۰/۷۴۱	۰/۰۰۰ ^c
	باقی مانده	۳۹۷	۲۹۵۵۵۸/۵۷۵		
	کل	۳۹۹	۴۱۵۷۷۹/۰۷۸		
۳	رگرسیون	۳	۱۳۰۲۳۷/۴۱۶	۶۰/۲۰۶	۰/۰۰۰ ^d
	باقی مانده	۳۹۶	۲۸۵۵۴۱/۶۶۲		
	کل	۳۹۹	۴۱۵۷۷۹/۰۷۸		
۴	رگرسیون	۴	۱۳۳۵۹۶/۶۹۰	۴۶/۷۵۲	۰/۰۰۰ ^e
	باقی مانده	۳۹۵	۲۸۲۱۸۲/۳۸۸		
	کل	۳۹۹	۴۱۵۷۷۹/۰۷۸		

در جدول شماره‌ی ۱۷ اطلاعات تحلیل‌های واریانس برای هر مدل به طور مجزا نشان داده شده است. با توجه به $\text{sig} < ۰/۰۵$ ، به دست می‌آید که متغیرهای مستقل حاضر در متغیر رضایت زناشویی مؤثرند و مدل رگرسیونی معنادار است.

جدول ۱۸: تحلیل رگرسیونی^a Coefficients

سطح معنی‌داری	T مقدار	Standardized coefficients	Unstandardized Coefficients		مدل
			Beta مقدار	Std. Error	
۰/۰۰۰	۴۷/۰۷۱		۴/۴۹۰	۲۱۱/۳۵۰	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	-۱۰/۸۴۴	-۰/۴۷۸	۲/۸۴۰	-۳۰/۷۹۵	منطقه‌ی محل سکونت
۰/۰۰۰	۲۶/۷۶۰		۶/۷۶۲	۱۸۰/۹۴۵	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	-۶/۱۴۸	-۰/۳۱۳	۳/۲۸۰	-۲۰/۱۶۵	منطقه‌ی محل سکونت
۰/۰۰۰	۵/۸۴۰	۰/۲۹۷	۱/۱۳۱	۶/۶۰۳	سطح تحصیلات همسر
۰/۰۰۰	۲۱/۱۲۰		۷/۸۳۷	۱۶۵/۵۱۶	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	-۵/۶۴۸	-۰/۲۸۶	۳/۲۶۲	-۱۸/۴۲۳	منطقه‌ی محل سکونت
۰/۰۰۰	۴/۴۷۵	۰/۲۳۶	۱/۱۷۱	۵/۲۴۱	سطح تحصیلات همسر
۰/۰۰۰	۳/۷۲۷	۰/۱۷۴	۱/۶۲۴	۶/۰۵۲	سطح درآمد
۰/۰۰۰	۱۷/۶۶۹		۸/۸۵۴	۱۵۶/۴۳۵	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	-۵/۳۵۵	-۰/۲۷۲	۳/۲۷۳	-۱۷/۵۲۶	منطقه‌ی محل سکونت
۰/۰۰۲	۳/۱۲۵	۰/۱۸۲	۱/۲۹۱	۴/۰۳۶	سطح تحصیلات همسر
۰/۰۰۰	۴/۱۴۸	۰/۱۹۹	۱/۶۶۳	۶/۸۹۶	سطح درآمد
۰/۰۳۱	۲/۱۶۸	۰/۱۰۶	۱/۴۹۷	۳/۲۴۷	سطح درآمد همسر

a. Dependent Variable: رضایت زناشویی

در جدول شماره‌ی ۱۸ ضرایب رگرسیونی، ضرایب رگرسیونی استاندارد شده، آماره t و سطح معناداری برای هر مدل نشان داده شده است. بر اساس نتایج حاصل از ضرایب بتا مشاهده می‌شود که متغیر منطقه محل سکونت، بیشتر از بقیه متغیرها بر میزان رضایت زناشویی تأثیرگذار است. متغیرهای سطح تحصیلات همسر، سطح درآمد و سطح درآمد همسر در ردیف‌های بعدی قرار دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

در بررسی‌های مربوط به حوزه‌ی ازدواج و خانواده به رضایتمندی زوجین از زندگی زناشویی توجه ویژه و خاص می‌شود؛ چرا که کیفیت زندگی مشترک و رضایتمندی زناشویی در ثبات و پایداری خانواده، سازگاری و هماهنگی بین اعضای خانواده و افزایش کارایی آنها و همچنین در سلامت و بهداشت جسم و روان زن و شوهر و فرزندان تأثیر بسزایی دارد. در این پژوهش تأثیر عوامل دموگرافیک در رضایت زناشویی در میان زنان و مردان متأهل ۳۵-۵۵ سال ساکن در مناطق ۳ و ۲۰ شهر تهران بررسی شده است.

نتایج به دست آمده در این پژوهش نشان داد که میزان رضایت زناشویی بین زنان و مردان تفاوت معناداری ندارد، اما در بررسی متغیرهای تأثیرگذار در رضایت زناشویی، متغیرهای سن ازدواج، تفاوت سن همسران برای مردان در میزان رضایتمندی زناشویی آنها در مقایسه با زنان تأثیرگذارتر است و متغیرهای سطح درآمد، سطح درآمد همسر، سطح تحصیلات و سطح تحصیلات همسر در میزان رضایت زناشویی زنان تأثیر بیشتری دارد. در مجموع به نظر می‌رسد که تغییرات صورت گرفته در جامعه و ساختار خانواده از جمله اشتغال هر دو گروه، نوسازی و مدرنیته شدن و تغییر نقش‌های خانوادگی و توزیع قدرت باعث شده که نقش مؤلفه‌ی جنس در رضایت زناشویی کم‌رنگ‌تر شود. بین سن ازدواج و میزان رضایت زناشویی ارتباط معناداری وجود دارد، بدین صورت که با افزایش سن ازدواج در مردان و زنان، میزان رضایت از زندگی زناشویی آنها نیز افزایش می‌یابد، اما تأثیر آن برای مردان در مقایسه با زنان بیشتر است. افرادی که در سنین زیر ۲۰ سال ازدواج کرده بودند، کمترین میزان رضایت زناشویی را داشتند. ازدواج در سنین پایین به دلیل نبودآمدگی جسمانی، عقلی و عاطفی باعث بروز مشکلات متعدد و در نتیجه کاهش رضایتمندی زناشویی می‌شود. افراد به دلیل اینکه هنوز به رشد ذهنی، عاطفی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... نرسیده‌اند، بسیاری از مهارت‌های لازم برای رسیدن به یک زندگی موفق را کسب نکرده‌اند و از توانایی‌های لازم برای ایفای نقش همسری بی‌بهره‌اند، به همین دلیل معمولاً در زندگی مشترک با ناسازگاری‌ها و اختلافات بسیاری روبه‌رو می‌شوند. لزوم رسیدن به رشد و ثبات اقتصادی و شغلی برای مردان با توجه به مسئولیت‌های آنها در تأمین هزینه‌های مالی خانواده، تهیه مسکن و... در

زندگی مشترک، گذراندن دوران خدمت نظام وظیفه و... باعث می‌شود که مردان در قیاس با زنان در سنین بالاتر آمادگی‌های لازم برای شروع زندگی مشترک را کسب می‌کنند. کسب آمادگی‌های لازم، کاهش مشکلات و افزایش رضایت از زندگی زناشویی را به دنبال خواهد داشت. نتیجه‌ی به دست آمده با یافته‌های صداقت، ویجنتیمالا و همکاران و کارنی ویرادبوری همسو ولی با یافته‌های منصوری‌نیا و همکاران و عطاری و همکاران متفاوت است. رابطه‌ی میان تفاوت سنی همسران و رضایت زناشویی یک ارتباط معنادار و معکوس است، بدین صورت که با افزایش تفاوت سن همسران، رضایت زناشویی کاهش می‌یابد و بیشترین میزان رضایت زناشویی در بین افراد با تفاوت سنی کمتر از ۴ سال است. این نتیجه با نظریه‌ی همسان همسری توجیه می‌شود، همسانی سنی همسران میزان رضایت از زندگی زناشویی را افزایش می‌دهد؛ در ایران بیشتر بودن سن مرد در ازدواج، به صورت یک هنجار پذیرفته مطرح است، اما در سال‌های اخیر به دلیل دگرگونی‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرآیند مدرن‌سازی و گسترش فرهنگ مدرن معیارهای انتخاب همسر تغییر کرده و ازدواج زنان و مردان هم سن افزایش یافته است. از طرفی تفاوت سنی زیاد در ازدواج تفاوت‌های وسیع فرهنگی، اجتماعی و جهان‌بینی را به همراه دارد. وجود فاصله‌ی سنی زیاد موجب نبود درک متقابل می‌شود. همچنین وقتی که فاصله‌ی سنی بین زن و شوهر زیاد باشد، هر یک در دوره‌ای از زندگانی به سر می‌برند که به لحاظ توان جسمانی و فیزیولوژیکی با همسر خود تفاوت‌های عمده دارند و همه‌ی این موارد می‌تواند زمینه‌ی بروز مشکلات و نارضایتی را فراهم آورد. این نتیجه با یافته‌های زارع و صفیاری جعفرآباد، فاتحی دهقانی و نظری، جدیری و همکاران همسو است، اما با یافته‌های عطاری و همکاران متفاوت است. رابطه‌ی میان سطح درآمد و وضعیت اقتصادی و رضایت زناشویی یک ارتباط معنی‌دار است و با افزایش سطح درآمد و سطح درآمد همسر میزان رضایت زناشویی نیز افزایش می‌یابد. این ارتباط برای زنان در مقایسه با مردان قوی‌تر است. سطح درآمد مطلوب و رفاه اقتصادی با کاهش تنیدگی و ایجاد احساس ایمنی در زوجها و نیز دسترسی بیشتر به یک سری منابع و امکانات، شرایطی را ایجاد می‌کند که رضایت زناشویی را افزایش می‌دهد. افراد با سطح درآمد مطلوب، به دلیل امکان فراهم آوردن شرایط محیطی و تربیتی بهتر برای خود و فرزندانشان، آرامش روانی بیشتری و اعتماد به نفس بیشتری دارند. همچنین توانایی برقراری ارتباط‌های اجتماعی در این افراد بیشتر است و به سبب برخورداری از روابط اجتماعی گسترده‌تر، حمایت‌های اجتماعی بیشتری نیز دارند و با تنیدگی‌های کمتری مواجه می‌شوند. از طرفی فشارهای اقتصادی، نگرانی‌های دائمی درباره‌ی بی‌پولی و ناهماهنگی دخل و خرج سبب کاهش رضایتمندی زناشویی می‌شود. دسترسی زنان به منابع مالی و استقلال اقتصادی و تأمین بخشی از نیازها و هزینه‌های خانواده، پایگاه قدرت آنها در خانواده

و تصمیم‌گیری‌ها را بهبود می‌بخشد و رضایتمندی زناشویی آنها را افزایش می‌دهد. این نتیجه با یافته‌های منصوری‌نیا و همکاران، فاتحی دهاقانی و نظری، عطاری و همکاران، عبدالله‌زاده، مهدوی، زاینه و همکاران، اراتینکال و انستینوگن، ویجنتیمالا و همکاران، کارنی و برادبوری، هلمن و همکاران و گرین همسو ولی با یافته‌های زارع و صفیاری جعفرآباد متفاوت است. رابطه‌ی شغل و شغل همسر با رضایت زناشویی معنادار است. شغل و تنیدگی‌های حرفه‌ای تأثیر بسزایی در روابط زوجین و رضایت از زندگی زناشویی دارد، بیکاری، نبود امنیت شغلی و نگرانی‌های توأم با آن، پایین بودن منزلت شغلی، پایین بودن دستمزد، طولانی بودن ساعات کاری و سختی کار رضایت زناشویی را کاهش می‌دهد. در مورد زنان خانه‌دار، دست نیافتن به منابع اقتصادی ناشی از کار و وابستگی به واسطه‌ی کسب درآمد و تأمین هزینه‌ها به مردان و در نتیجه اعمال قدرت یک سویه‌ی شوهر در خانواده در رضایتمندی زناشویی تأثیرگذار است. این نتیجه با یافته‌های کارنی و برادبوری، هلمن و همکاران و فاووزوالسن همسو و با یافته‌های زارع و صفیاری جعفرآباد متفاوت است. رابطه‌ی سطح تحصیلات و رضایت زناشویی یک ارتباط معنی‌دار است و با افزایش سطح تحصیلات و سطح تحصیلات همسر، رضایت زناشویی نیز افزایش می‌یابد. این ارتباط برای زنان در مقایسه با مردان قوی‌تر است. تحصیلات و دانش آموختن به دلیل فراگیری علمی در زمینه‌های گوناگون و کسب آگاهی‌های بیشتر برای شناخت مسائل در بازداشتن فرد از انجام دادن و یا بروز رفتارهای نامناسب تأثیرگذار است. یکی از این مسائل ازدواج و زندگی زناشویی است. زوجینی که سطح آگاهی‌ها و معلومات آنها نسبت به زندگی زناشویی و جزئیات آن بالا باشد، می‌توانند رابطه‌ای مطلوب و سالم را در تمامی جهات با یکدیگر برقرار کنند که این امر می‌تواند باعث خرسندی و رضایت زوجین شود. از طرفی تحصیلات تعیین‌کننده‌ی جایگاه فرد در جامعه است. اختلاف سطح تحصیلات نیز باعث نبود درک صحیح طرفین از یکدیگر، تفاوت دیدگاه‌ها و واکنش‌ها در مسائل مختلف، ایجاد حس حقارت، کمبود و... می‌شود و تمام موارد ذکر شده در میزان رضایتمندی زناشویی تأثیر دارد. این نتیجه با یافته‌های زارع و صفیاری جعفرآباد، ایمان و همکاران، منصوری‌نیا و همکاران، عبدالله‌زاده، مهدوی، مدنیان و شافق، گوا و هوانگ، ویجنتیمالا و همکاران، کارنی و برادبوری، هلمن و همکاران و گرین همسو و با یافته‌های جدیری و همکاران و عطاری و همکاران متفاوت است. رابطه‌ی قومیت و قومیت همسر با رضایت زناشویی ارتباط معناداری را نشان نمی‌دهد. البته معنادار نبودن ارتباط بین قومیت و میزان رضایت از زندگی زناشویی می‌تواند از محدودیت شرایط قومیتی نمونه پژوهش و پراکندگی و توزیع نامتناسب فراوانی نمونه‌های قومیتی ناشی باشد. ارتباط بین منطقه‌ی محل سکونت و رضایت زناشویی معنادار است. در بین دو منطقه‌ی ۳ و ۲۰ شهر تهران، افراد ساکن در منطقه‌ی ۲۰ به میزان زیادی، رضایت زناشویی پایین‌تری در مقایسه با ساکنان

منطقه‌ی ۳ داشتند. منطقه‌ی محل سکونت در مجموعه‌ای از متغیرهای مرتبط با رضایت زناشویی مثل سطح تحصیلات، شغل، درآمد و رفاه اقتصادی و... تأثیرگذار است. در مجموع نتایج بیانگر آن است که متغیرهای جمعیت شناختی در رضایت زناشویی مؤثرند و می‌توانند تغییرات متغیر رضایت زناشویی را تبیین کنند. بر اساس نتایج، مشاهده می‌شود که متغیر منطقه‌ی محل سکونت بیشتر از بقیه‌ی متغیرها در میزان رضایت زناشویی تأثیرگذار است. در مرتبه‌ی پایین‌تر متغیرهای سطح تحصیلات همسر، سطح درآمد و سطح درآمد همسر تأثیرگذاری بیشتری نسبت به سایر متغیرهای جمعیت‌شناختی دارند. تفاوت در یافته‌های تحقیقات پیشین و تحقیق حاضر می‌تواند ناشی از تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جوامع آماری، تغییرات صورت گرفته در جامعه و ساختار خانواده طی سال‌های اخیر، تأثیر متفاوت نوسازی و مدرنیته در جوامع مختلف، محدودیت نمونه‌های پژوهش در برخی از تحقیقات و چگونگی پراکندگی و توزیع فراوانی‌ها و... ناشی شود. در یک جمع‌بندی کلی با در نظر گرفتن تأثیر عوامل دموگرافیک در رضایت زناشویی برای داشتن ازدواجی موفق فرد باید توانایی و آگاهی بیشتری از شناخت و چگونگی انتخاب و تفکیک ویژگی‌های شخصیتی خود و هماهنگی آنها با ویژگی‌های شخصیتی طرف مقابل خود داشته باشد و بتواند با نگاهی دقیق و آگاهانه، همسری مناسب برای زندگی انتخاب کرده و در طول زندگی زناشویی نیز با بررسی مراحل تحول خانواده و در مواجهه با مشکلات، بهترین شیوه‌ی برخورد را برگزیند. این انتخاب صحیح و مناسب و یادگیری مجموعه مهارت‌های زندگی زمینه‌ساز رضایت زناشویی و ساخت رابطه‌ای مستحکم است.

منابع

- اکبری، مصطفی و همکاران. «رابطه آگاهی از سندرم ملال پیش از قاعدگی با رضایت زناشویی زوج‌های جوان»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی روان‌شناسی و خانواده، سنج، دانشگاه کردستان (۱۳۹۱).
- ایمان، محمدتقی و همکاران. «بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و رضایتمندی زناشویی»، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد، (واحد شوشتر)، ش ۱۷، (تابستان ۱۳۹۱).
- ثنائی‌ذاکر، باقر ۱۳۸۷. «مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج، تهران، بعثت».
- جدیری، جعفر و همکاران. «بررسی رابطه رضامندی زناشویی (براساس معیارهای دینی) با عوامل جمعیت‌شناختی تحصیلات طول مدت ازدواج سن ازدواج و تفاوت سنی»، روانشناسی و دین، ش ۵، (بهار ۱۳۸۸).
- جلیلیان، زهرا ۱۳۷۵. عوامل اجتماعی مؤثر بر درخواست طلاق در شهر تهران، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی).

- «حسین پور، محمد و همکاران. «اثر بخشی آموزش مهارت‌های زندگی در افزایش سازگاری زناشویی زنان متأهل ۲۰-۴۰ سال»، *مطالعات آموزش و یادگیری (علوم اجتماعی و انسانی سابق دانشگاه شیراز)*، ش ۱، (بهار و تابستان ۱۳۸۹).
- «خدایاری فرد، محمد و همکاران. «رابطه نگرش مذهبی با رضایتمندی زناشویی در دانشجویان متأهل»، *خانواده پژوهی*، دوره ۳، ش ۱۰، (تابستان ۱۳۸۶).
- «ذخیره‌داری، ندا و همکاران. «بررسی رابطه بین عوامل فردی - خانوادگی با عملکرد ازدواج در کارکنان بانک»، *مجموعه مقالات اولین همایش ملی روانشناسی و خانواده، سنندج*، دانشگاه کردستان (۱۳۹۱).
- «زارع، بیژن و همکاران. «مطالعه رابطه عوامل مؤثر بر میزان رضایت از زندگی زناشویی در میان زنان و مردان متأهل شهر تهران»، *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ش ۱، (بهار و تابستان ۱۳۹۴).
- «زارع، حسین و همکاران. «رابطه بین سبک‌های دلبستگی و بخشش با رضایت زناشویی زوجها»، *مشاوره و روان درمانی خانواده*، ش ۸، (بهار ۱۳۹۲).
- «ستوده، هدایت الله ۱۳۸۹. *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*، تهران، آوای نور.
- «سجایی، جلیل و همکاران ۱۳۹۲. «الگوهای ازدواج و ارتباط آن با رضایت زناشویی، مورد مطالعه دانشجویان همسر دار دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج»، *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، ش ۱۲، (زمستان ۱۳۹۲).
- «صداقت، حسین. بررسی رابطه بین سن ازدواج، فامیلی یا غیر فامیلی بودن ازدواج، تعداد فرزندان و تشابه اعتقادی با رضایت زناشویی دبیران زن و مرد شهر تهران، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره، دانشگاه تربیت معلم).
- «عبدالله‌زاده، حسن ۱۳۸۲. بررسی تأثیر صفات شخصیتی بر رضایت زناشویی زوجین شهر دامغان، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، تبریز).
- «فاتحی دهقانی، ابوالقاسم و علی محمد نظری. «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان»، *مطالعات امنیت اجتماعی*، ش ۱۲، (بهار ۱۳۸۹).
- «گود، ویلیام جی ۱۳۵۲. *خانواده و جامعه*، ترجمه‌ی ویدا ناصحی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر.
- «مرکز اطلاعات جغرافیایی شهر تهران، اطلس کلانشهر تهران، ۱۳۹۵، www.atlas.tehran.ir.
- «مرکز آمار ایران ۱۳۹۳. «سرشماری عمومی نفوس و مسکن - ۱۳۹۰ نتایج کلی شهر تهران (مناطق ۲۲ گانه)»، دفتر ریاست امور بین الملل و روابط عمومی.
- «مرکز آمار ایران ۱۳۹۵. «طبقه‌بندی استاندارد مشاغل ایران - ۱۳۹۵ بر اساس طبقه‌بندی بین‌المللی مشاغل ISCO-2008»، دفتر ریاست، روابط عمومی و همکاری‌های بین‌الملل.
- «منصوری نیا، آذر دخت و همکاران ۱۳۹۰. «بررسی تأثیر آموزش پیش از ازدواج بر میزان رضایت

زناشویی زوجین شهر اصفهان»، یافته‌های نو در روان‌شناسی، ش ۱۹، تابستان.
 ◀ موسوی، رقیه ۱۳۷۴. بررسی و مقایسه عوامل مؤثر بر رضامندی زناشویی در سه گروه پزشکان، کارمندان، کارگران شهر تهران، (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد در رشته مشاوره و راهنمایی، دانشگاه تربیت معلم، تهران).

◀ موسوی، رقیه، مرادی، علیرضا، مهدوی هرسینی، سید اسماعیل. «بررسی اثربخشی خانواده درمانی ساختاری در بهبود عملکرد خانواده و تقویت رضایت زناشویی در خانواده های کودکان مبتلا به اختلال اضطراب جدایی»، خانواده پژوهی، ش ۴، (زمستان ۱۳۸۴).

◀ مهدوی، محمدصادق ۱۳۷۴. عوامل مؤثر بر رضایت زن و شوهر، تهران: مبتکران.

▶ Birkelund.G.E. & J. Helda. "Who marries whom? Educational homogamy in Norway" *Demographic Research* 8 (1), (2003).

▶ Fowers.B.J.& D.H. Olson. "Enrich Marital Inventory: A discriminant validity and cross-validity assessment" *Journal of Marital and Family Therapy* 15 (1), (1980).

▶ Glenn.N.D. "The course of marital success and failure in five American 10-year marriage cohorts" *Journal of Marriage and Family*, 60 (3), (1998).

▶ Green.R.1991). *The relationship between salary and marital satisfaction*. proquest dissertation abstract.

▶ Guo .B. & J. Huang "Marital and sexual satisfaction in Chinese families: Exploring the moderating effects" *Journal of Sex and Marital Therapy*,31(1), (2005).

▶ Holman .T.B. J.H. Larson. & Harmer1994). *The Development and Predictive validity of a new premarital.S.L. assessment instrument: The preparation for marriage questionnaire* .*Family Relations*, 43(1).

▶ Karney، B. R.، & T. N. Bradbury (2005). Contextual influences on marriage: Implications for policy and intervention. *Current Directions in Psychological Science*, 14.

▶ Madaniana،L.، Shafeq ،S. M. (2013). Marital satisfaction and demographic traits in an emigrant sample: Rasch Analysis. *Social and Behavioral Sciences*، 107.

▶ Orithinkal.J. & A.Vansteenwegen "Do demographics affect marital satisfac-

tion"? *Journal of Sex and Marital Therapy*, 33 (1), (2007).

- Vaijayanthimala.K .B &.P. Bharati "Socio- Economic heterogomy and marital satisfaction" *Journal of Human Ecology*, 15 (1), (2004).
- Vandervorst.J. (2000). The association between marital satisfaction and length of marriage: A literature overview .Unpublished licentiate .Katholieke University Leuven .Leuven .Belgium.
- Zainah ,A.Z. ،R. Nasir, S. H. Ruzy, M. Y. Noraini (2012). Effects of demographic variables on marital satisfaction, *Asian Social Science*, Bangi,Malaysia, 8 (9).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی